

بررسی خریده فرهنگ‌های دهقانی قشرهای مختلف در مناطق روستایی استان گلستان

نورمحمد پناه - کارشناس ارشد توسعه روستایی



چکیده

در فرایند تغییر اجتماعی و توسعه در سطح روستاها، شناخت خصوصیات و نظام‌های معرفتی روستائیان و آگاهی از وضعیت قشربندی اجتماعی، اقتصادی، آنها از اهمیت به سزایی برخوردار است. در این پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و سیستماتیک تعداد ۵۰ روستا و ۸۰۰ خانوار در سطح استان گلستان انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفت. با بهره‌گیری از روش‌های توصیفی و تحلیلی و بکار بردن آزمون‌های مناسب آماری نظریه (راجرز) درباب عناصر خریده فرهنگ دهقانی در جامعه آماری مورد نظر بررسی گردید. برای انجام قشربندی از روش «عینی» و شاخص ترکیبی ثروت، سواد، شغل و نسبت در آمد به هزینه استفاده گردید. بر اساس یافته‌های این تحقیق سه قشر (پائین، متوسط و بالا) از هم متمایز شدند. معلوم شد که ۲۸/۱ درصد از جمعیت روستایی مورد مطالعه به طبقه پائین، ۳۸/۶ درصد به طبقه متوسط و ۳۳/۳ درصد به طبقه بالا تعلق داشته‌اند. نتایج حاصل از بررسی عناصر خریده فرهنگی نشان داد که روستائیان استان گلستان با وجود داشتن گرایش به پذیرش ایده‌های جدید، هرگز به صورت نسنجیده و بدون منطق زیر بار نوآوری‌ها نمی‌روند، آرزوهای بلندپروازانه ندارند اما آینده‌نگر هستند، محلی‌گرا نیستند اما تقدیرگرا هستند. هر چند زندگی مستقل را ترجیح می‌دهند با این حال انسجام و عصبیت خانوادگی را از دست نداده‌اند. جامعه مورد مطالعه تمایل به انجام کارهای گروهی و مشاعی به شکل سنتی آن را ندارند اما برای سهم شدن در کارهای عام‌المنفعه آمادگی دارند. مشارکت در طرح‌های

عمرانی را چنانچه به مفهوم پرداخت مبلغی تحت عنوان «خودداری» باشد قبول ندارند و به عناوین مختلف از آن امتناع می نمایند. آنها خواستار مشارکت به معنی واقعی کلمه یعنی دخیل شدن در همه مراحل تصمیم گیری، اجرا و نظارت هستند. نسبت به دولت نگرش مساعد دارند به طوری که اکثر آنها دولت را حامی و پشتیبان خود می دانند. براساس نتایج حاصل از تحلیل عاملی سه فاکتور پیشرفت اقتصادی، خلاقیت شغلی و جبر مکانی در تعیین ویژگی های خرده فرهنگی و تعیین پایگاه اجتماعی، اقتصادی روستائیان استان گلستان نقش به سزایی داشته اند.

◆ واژه های کلیدی : خرده فرهنگ، پایگاه اجتماعی، انگیزه پیشرفت، تقدیرگرایی، خانواده گرایی، محلی گرایی، همدلی، بیگانگی اجتماعی، آینده نگری، نوآوری

مقدمه

ارائه و اجرای برنامه های توسعه فرهنگی بدون شناخت کافی از ویژگی های فرهنگی اجتماعی مخاطبان آن قرین موفقیت نخواهد بود. در این میان شناخت عناصر و جنبه های خاص فرهنگی که در فرهنگ کلی تر وجود ندارد و اصطلاحاً به آن (خرده فرهنگ) گفته می شود از اهمیت خاصی برخوردار است. محققان توسعه بر این عقیده اند که چنانچه باورها، وجهه نظرها، عقاید، افکار و انگیزه های مردمی که هدف برنامه های توسعه هستند بدرستی شناسایی نشوند ممکن است در اثر تضاد با این عناصر خرده فرهنگی با موانع سختی مواجه شوند که نتیجه آن همانا شکست برنامه های توسعه خواهد بود. (از کیا، ۱۳۷۴). علاوه بر آن آگاهی و درک صحیح از میزان نابرابری اجتماعی و ساختار اجتماعی فرهنگی روستا، شناخت گروه ها و اقشار مختلف در جامعه روستایی و دانستن این که هر کدام از طبقات ذینفع از چه ویژگی هایی خرده فرهنگی برخوردارند، یکی از ملزومات برنامه ریزی توسعه روستایی علی الخصوص توسعه فرهنگی روستاها به شمار می رود. چرا که تنوع قومیت ها و فرهنگ های مختلف، برنامه های خاص خود را می طلبد (ملوین، ۱۹۹۰). چنانچه مولفه های خرده فرهنگی با انجام مطالعات صحیح و متناسب با نیازهای نوین و شرایط امروز جامعه، بازسازی و بازاندیشی نشوند، احتمال دارد به عنوان سد راه و مانعی در فرایند توسعه فرهنگی عمل نمایند.

استان گلستان و مناطق روستایی آن به لحاظ تنوع اقوام و گویش های مختلف و به دلیل اینکه تا به حال تحقیق جامعی یا متدولوژی پژوهش حاضر در آن صورت نگرفته است و از طرفی به خاطر اهمیت مساله در برنامه ریزی های توسعه ای، لذا شناخت و آگاهی از خصوصیات و نظام های معرفتی روستائیان از اهمیت به سزایی برخوردار است و بازشناسی اقشار مختلف اجتماعی از طریق شاخص های ترکیبی بدون تکیه صرف بر عامل مالکیت زمین یکی از نیازهای ضروری استان نوپای گلستان به شمار می رود. در این میان



مطالعاتی چند در زمینه خرده فرهنگ های روستایی توسط پژوهشگرانی مانند ردفیلد (۱۹۳۰)، باثوم (۱۹۳۰)، لوئیس (۱۹۴۵)، لوی (۱۹۴۷)، لویوتو (۱۹۴۹)، بوردا (۱۹۵۵)، تانوس (۱۹۵۶)، کارلوس (۱۹۵۸)، لزلی (۱۹۶۰)، داچمن (۱۹۶۲)، تاکس (۱۹۶۳)، وایزر و وایزر (۱۹۶۳)، رائو (۱۹۶۳)، روزن (۱۹۶۴)، فاستر (۱۹۶۵)، بنت (۱۹۶۷)، راجرز (۱۹۶۹)، اورتیز (۱۹۷۰)، آپسون (۱۹۷۲) و کهن و هاتن (۱۹۷۵) انجام شده است. درباره موضوع خرده فرهنگ های دهقانی در ایران نیز پژوهش هایی توسط کشاورز (۱۳۵۰)، عجمی (۱۳۵۴)، موسسه مطالعات اجتماعی (۱۳۵۶)، نیک خلق (۱۳۵۸) و از کیا (۱۳۶۳) انجام گرفته است. درباره قشر بندی نیز مطالعاتی چند توسط پژوهشگرانی مانند لیندا (۱۹۳۰)، وایزر (۱۹۴۱)، میلز (۱۹۴۵)، هات و نورث (۱۹۴۷)، پوپ (۱۹۴۸)، رایت و هیمان (۱۹۵۸)، کوهن و هاجز (۱۹۶۳)، آلفورد (۱۹۶۳) و رانگ (۱۹۶۶) انجام شده است. در ایران نیز راجع به قشر بندی آثار تحقیقی از لمبتون (۱۳۴۰) و زیری (۱۳۴۰)، عجمی (۱۳۴۰)، صفی نژاد (۱۳۵۲)، ابروانی (۱۳۵۴)، نوری (۱۳۵۶)، خسروی (۱۳۶۲) و ثوقی (۱۳۷۰)، از کیا (۱۳۷۴)، مهندسین مشاور جامع ایران (۱۳۷۵) و زاهدی مازندرانی (۱۳۷۶) موجود است. مبانی تئوریک تحقیق حاضر در بحث خرده فرهنگ روستائیان بر اساس نظریات راجرز استوار است و از پروژه ای تحت عنوان «بررسی ساختارها و عوامل اجتماعی فرهنگی موثر در ترویج کشاورزی» کار از کیا و رفیع فر (۱۳۷۶) الگوبرداری شده است. مبانی نظری در زمینه قشر بندی بر اساس دیدگاه ترکیبی (ماکس وبر) استوار است که از سه ملاک ثروت، منزلت و قدرت برای تمیز کردن طبقات و اقشار اجتماعی بهره می گیرد. در این زمینه نیز از مطالعات از کیا (۱۳۷۶) در گرمسار الگوبرداری شده است. هدف از انجام این پژوهش بررسی عناصر خرده فرهنگی در مناطق روستایی استان گلستان با الهام از نظریات راجرز و همچنین طبقات و اقشار مختلف اقتصادی و اجتماعی و بررسی تفاوت طبقات و گروه ها از لحاظ میزان برخورداری از مولفه های خرده فرهنگ دهقانی می باشد. در این راستا علاوه بر طرح چند فرضیه پژوهشی، سوالات اصلی به شرح زیر مطرح شده اند:

- ۱- آیا ساکنان مناطق روستایی جامعه مورد مطالعه آمادگی تغییر و پذیرش نوآوری را دارند؟
- ۲- وضعیت روستائیان استان از لحاظ خانواده گرایی، تقدیر گرایی، محلی گرایی، نوع نگرش به دولت، احساس بیگانگی اجتماعی، همدلی، آینده نگری و انگیزه پیشرفت چگونه است؟
- ۳- مهم ترین عوامل موثر در تعیین خرده فرهنگ و طبقات اقتصادی اجتماعی مردم روستائیان استان گلستان کدامند؟

روش شناسی

این پژوهش در سطح روستاهای استان گلستان در سال ۱۳۸۲ انجام گرفته است. نوع تحقیق غیر آزمایشی، روش به کار رفته در آن پیمایشی است. برای قشر بندی اجتماعی، اقتصادی از روش «عینی» استفاده شده است. بدین صورت که پس از انتخاب شاخص های نظری مناسب با یافتن مصادیق عینی و بومی آن در

جامعه تعاریف عملیاتی هر کدام از مفاهیم مورد سنجش ارائه گردیده است و براساس آن معیارهای عضویت در اقشار اجتماعی و تعداد این اقشار تعیین شده است. در تحقیق حاضر افراد سرپرست خانوار ساکن در مناطق روستایی استان گلستان جامعه آماری مورد نظر را تشکیل می دهند به عبارت دیگر واحد تحلیل، سرپرستان خانوارهای روستایی هستند. برای تعیین حجم نمونه، ابتدا توزیع روستاها در هر یک از شهرستان‌های یازده گانه بر حسب سه گویش فارسی، ترکمنی و سیستانی تعیین گردید و سپس متناسب با نحوه توزیع روستاها بر حسب قومیت، ۵۰ روستای نمونه با روش نمونه گیری تصادفی سیستماتیک مشخص و در هر روستا نیز تعداد ۱۶ خانوار با استفاده از شیوه نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب و در مجموع ۸۰۰ نفر سرپرست خانوار مورد مصاحبه قرار گرفت. ابزار تحقیق حاضر پرسشنامه است. اعتبار پرسشنامه (Validity) با توجه به نظرات پژوهشگران علوم اجتماعی و پایایی آن (Reliability) با روش آلفای کرونباخ مورد سنجش قرار گرفت.

متغیرهای تحقیق

در تحقیق حاضر با دو متغیر اصلی سر و کار داریم:

۱- خرده فرهنگ روستاییان ۲- طبقه اقتصادی - اجتماعی روستاییان

متغیر اصلی خرده فرهنگ با ۹ مولفه شامل (میزان پذیرش نوآوری، آینده نگری، تقدیرگرایی، خانواده گرایی، محلی گرایی، انگیزه پیشرفت، احساس بیگانگی اجتماعی، همدلی و نگرش نسبت به دولت) مورد بررسی قرار می گیرد متغیر اصلی خرده فرهنگ با توجه به اینکه فاصل تغییرات آن با عدد و کمیت قابل بیان نیست، لذا متغیر کیفی محسوب می شود و هر یک از مولفه های آن نیز کیفی (رتبه ای یا اسمی) خواهند بود.

متغیر وابسته قشربندی برحسب میزان برخورداری افراد جامعه مورد مطالعه از عوامل چهارگانه تحصیلات، شغل، ثروت و نسبت درآمد به هزینه مورد ارزیابی قرار می گیرد. بدین لحاظ یک متغیر کیفی محسوب می شود، از آنجا که وجوه مختلف این متغیر را می توان نظم و ترتیب داد (بالا، متوسط و پایین) لذا یک متغیر رتبه ای به شمار می رود.

۵

روش های آماری به کار رفته

در این تحقیق از دو روش کلی زیر برای تجزیه و تحلیل داده ها استفاده شده است:

۱- روش آماری توصیفی ۲- روش تحلیلی

از روش توصیفی جهت وصف ویژگی های خرده فرهنگی جامعه آماری مورد مطالعه و گروه های مختلف آزمودنی از نظر سن، سواد، شغل و غیره با استفاده از یکسری آماره های توصیفی نظیر درصد، میانگین،



واریانس استفاده گردیده است. از روش تحلیلی برای بررسی روابط بین متغیرها مخصوصاً جهت بررسی و آزمون فرضیه‌های تحقیق سود برده شده است. روش‌های آماری اصلی و عمده عبارت است از:

۱- تحلیل همبستگی

در این پژوهش از تحلیل همبستگی برای بررسی ارتباط بین طبقات مختلف اجتماعی با عناصر خرده فرهنگی و نیز رابطه قومیت، سن و شغل افراد با عناصر مذکور استفاده شده است. از ضرایب همبستگی اسپیرمن و پیرسون برای بررسی روابط بین متغیرها بهره گرفته شده است. این آزمون برای نمایش همبستگی بین متغیرهای فاصله‌ای، ترتیبی و اسمی استفاده شده و نشان می‌دهد که بین تغییرات یک متغیر با متغیر دیگر چه نوع همبستگی و ارتباطی وجود دارد.

۲- تحلیل واریانس

در این پژوهش برای پی بردن به تفاوت قومیت‌ها از لحاظ برخورداری از عناصر خرده فرهنگی و همچنین برای بررسی عناصر مذکور در بین گروه‌های مختلف درآمدی شامل (فقیر، متوسط و ثروتمند) از آزمون F (تحلیل واریانس) استفاده شده است. ضمناً برای تحلیل میانگین نمره قشربندی میان اقشار سه گانه از همین روش بهره‌گیری شده است.

۳- تحلیل رگرسیون

در تحقیق حاضر برای درک چگونگی تاثیر متغیرهای مستقل محلی گرایی، نوآوری، آینده‌نگری و انگیزه پیشرفت با متغیر وابسته طبقه اجتماعی از تحلیل رگرسیون با روش پس رونده (Backward) استفاده شده است تا از این طریق روابط چند متغیر مستقل با متغیر وابسته را به طور همزمان بتوان بررسی نمود. همچنین برای پی بردن به اینکه آیا ویژگی‌های خرده فرهنگی در بین افراد ثروتمند کمتر است یا بیشتر، از همین روش تحلیل استفاده شده است.

۴- آزمون کایسکوئر

این آزمون از جمله آزمون‌های ناپارامتری است و برای بررسی احتمال اینکه غیر از خطای نمونه‌گیری، عامل دیگری رابطه ظاهری را بین متغیرها ایجاد کرده و به کار می‌رود. در این تحقیق برای بررسی معنی‌داری هر یک از متغیرهای مستقل (مولفه‌های خرده فرهنگی) با متغیرها وابسته قومیت و همچنین برای بررسی رابطه برخی از متغیرهای خرده فرهنگی با متغیر وابسته طبقه اجتماعی از این آزمون استفاده شده است.

۵- تحلیل عاملی

برای پی بردن به روابط اساسی میان متغیرها و تعیین تعداد و ماهیت متغیرهای واقعی در میان تعداد زیادی از متغیرها، روش تحلیل عاملی به کار می‌رود (منصورفر، ۱۳۷۸)

در این پژوهش مولفه‌های ۹ گانه خرده فرهنگ روستائیان و نیز عوامل چهارگانه قشربندی اجتماعی شامل (ثروت، نسبت درآمد به هزینه، شغل و تحصیلات) و در مجموع ۱۳ متغیر وارد معادله شدند.

برای تشخیص مناسب بودن داده ها برای تحلیل عاملی، از آزمون بارتلت و آزمون MSA استفاده شده است.

یافته های تحقیق

۱- قشربندی اجتماعی، اقتصادی جامعه روستایی مورد مطالعه

در این پژوهش مراحل اصلی شاخص سازی برای قشربندی عبارت است از:

(الف) تعریف عملیاتی مفهوم قشربندی: میزان برخورداری افراد جامعه مطالعه از عوامل چهارگانه تحصیلات، شغل، ثروت و نسبت درآمد به هزینه (فراخی معاش)

(ب) حذف متغیرهای نامناسب: در این تحقیق با توجه به نتایج حاصل از رگرسیون متغیر حذفی نداشتیم و همه متغیرهای وارد شده از فراوانی کافی برای سنجش مفهوم مورد نظر برخوردار بودند.

(ج) وزن دهی مولفه های تشکیل دهنده دستگاه شاخص بندی: برای تعیین متغیرهای شاخص ثروت از میانگین ارزش ریالی متغیرها و تبدیل آن به ضرایب کوچک شده سود برده شد. برخی دیگر از متغیرهای مورد استفاده در این تحقیق نظیر منزلت شغلی با استفاده از نظر متخصصان و آگاهان وزن دهی شدند. متغیرهای اصلی تحقیق و نیز معرف های درجه اول شاخص قشربندی از طریق عملیات آماری رگرسیون چند متغیره مورد بررسی و وزن دهی قرار گرفتند.

وزن های به دست آمده جهت ساده تر شدن محاسبات در عدد ۱۰ ضرب شد. براساس جدول شماره ۱ مشخص می شود که نسبت درآمد به هزینه (فراخی معاش) با دارا بودن ضریب (۷۲) نقش اول را در تعیین پایگاه اجتماعی افراد در جامعه مورد مطالعه قرار دارد. پس از آن شاخص ثروت با اختصاص (۷۶) به لحاظ اهمیتی که در تعیین منزلت اجتماعی افراد دارد و در درجه دوم قرار دارد. نوع شغل افراد در تعیین پایگاه اجتماعی در درجه سوم اهمیت قرار داشته است (۶۸) و نهایتاً میزان تحصیلات به لحاظ میزان تاثیر در

جدول شماره ۱- رگرسیون چند متغیره در مورد متغیرهای تشکیل دهنده شاخص قشربندی

نام متغیر	ضریب آلفای متغیر مستقل بر متغیر وابسته (تفسیر بوند)	سطح معنی داری (آزمون)
تحصیلات	۰/۵۷	۰/۰۰۰۰
شغل	۰/۶۸	۰/۰۰۰۰
نسبت درآمد به هزینه	۰/۸۲	۰/۰۰۰۰
ثروت	۰/۷۶	۰/۰۰۰۰

(مأخذ: یافته های تحقیق)

منزلت اجتماعی خانواده‌ها در بین چهار عامل فوق‌الذکر در مرتبه آخر قرار دارد. (د) ترکیب متغیرها و ساخت شاخص قشربندی: در این مرحله ابتدا متغیرها به امتیاز Z تبدیل شدند (Z-score) یعنی بدون واحد شدند تا قابل جمع بندی باشند. سپس با لحاظ کردن وزن‌های به دست آمده برای متغیرها کار ترکیب صورت گرفته است. در نهایت پس از انجام مراحل فوق‌متغیری تحت عنوان قشربندی ایجاد گردید که نمرات آن از حداقل (۲-) تا حداکثر نمره (۸) تغییرپذیری داشت. پیوستار مذکور براساس دامنه تغییرات به سه بخش مساوی تقسیم گردیدند:

- پائین‌ترین طبقه از توزیع نمرات به عنوان قشر پائین جامعه

- طبقه میانی توزیع نمرات به عنوان قشر متوسط جامعه

- طبقه بالای توزیع نمرات به عنوان قشر بالای جامعه

بدین ترتیب ۳ قشر روستایی از یکدیگر متمایز گردید. (پائین، متوسط، بالا)

براساس جدول شماره ۲ از تعداد کل خانوارهای مورد مطالعه (۸۰۰ خانوار)، ۲۸/۱ درصد از جمعیت روستایی استان به رده‌های پائین اجتماعی تعلق دارند. ۳۸/۶ درصد به قشر متوسط جامعه اجتماعی دارند و افرادی که در طبقات بالای اجتماع هستند ۳۳/۲ درصد از جامعه مورد مطالعه را تشکیل می‌دهند.

رده‌بندی روستاهای مورد مطالعه بر حسب میانگین نمره قشربندی

جهت رتبه‌بندی روستاها به لحاظ میانگین نمره قشربندی و تشخیص نحوه پراکندگی اقبال سه گانه (پائین، متوسط و بالا) میانگین نمرات قشربندی خانوارها را به عنوان یک متغیر جداگانه در نظر گرفته و با انجام یک طبقه‌بندی ۳ قسمتی با طبقات مساوی، نمرات مذکور در سه دسته کلی جای داده شدند سپس فراوانی و درصد این نمرات در هر یک از روستاها مشخص شدند تا براساس آن بتوان نحوه پراکنش اقبال سه گانه را در هر یک از روستاها به دست آورد (جدول شماره ۳)

جدول شماره ۲- توزیع خانوارهای روستاهای نمونه بر حسب وضعیت قشربندی

اجتماعی - اقتصادی

وضعیت قشربندی	تعداد	درصد
پائین	۲۲۵	۲۸/۱
متوسط	۳۰۹	۳۸/۶
بالا	۲۶۶	۳۳/۲
جمع	۸۰۰	۱۰۰

(مأخذ: یافته‌های تحقیق)

جدول شماره ۳- توزیع فراوانی میانگین نمرات انتشار سه گانه به تفکیک روستاها

ردیف	روستا	کتاب			کتاب			مجموع	میانگین	انحراف معیار
		تعداد	پاسخگزار	نمرات	تعداد	پاسخگزار	نمرات			
۱	نوده خاندوز	۱۶	۲	۱۷/۵	۵	۳۱/۲	۹	۳۱/۲	۰	
۲	ازدار تپه	۱۶	۳	۱۸/۸	۷	۳۷/۸	۶	۳۷/۵	۰	
۳	قرنچه آقا امام	۱۶	۳	۱۸/۸	۸	۳۷/۵	۵	۳۷/۵	۰	
۴	دوزالم	۱۶	۵	۳۱/۲	۶	۳۷/۵	۵	۳۱/۲	۰	
۵	آی نسر	۱۶	۴	۲۵	۵	۳۱/۲	۷	۳۱/۲	۰	
۶	امان قرهجه	۱۶	۸	۵۰	۵	۳۱/۲	۳	۳۱/۲	۰	
۷	قره محمد تپه	۱۶	۲	۱۲/۵	۴	۲۵	۸	۲۵	۰	
۸	باغلی مارما	۱۶	۵	۳۱/۲	۹	۳۱/۲	۲	۳۱/۲	۰	
۹	ایگدر سفلی	۱۶	۶	۳۷/۵	۳	۲۵	۶	۳۷/۵	۰	
۱۰	گدم آباد	۱۶	۱۲	۵۷	۲	۱۲/۵	۲	۱۲/۵	۰	
۱۱	زایی آباد	۱۶	۷	۳۳/۸	۹	۳۳/۸	۰	۳۳/۸	۰	
۱۲	توران فارس	۱۶	۳	۱۸/۸	۸	۳۳/۸	۵	۳۳/۸	۰	
۱۳	بلنج آباد	۱۶	۷	۳۳/۸	۹	۳۳/۸	۰	۳۳/۸	۰	
۱۴	قوجمز	۱۶	۳	۲۵	۷	۳۳/۸	۵	۳۳/۸	۰	

(مصدر: یافته‌های تحقیق)

ادامه جدول شماره ۳- توزیع فراوانی میانگین نمرات انتشار سه گانه به تفکیک روستاها

۲۵	۳	۵۰	۸	۲۵	۴	۱۶	۱۵
۱۸۸	۳	۱۸۸	۳	۱۲/۵	۱۰	۱۶	۱۶
۲۵	۳	۳۷/۵	۶	۳۷/۵	۶	۱۶	۱۷
۲۵	۳	۴۳/۸	۷	۳۱/۲	۵	۱۶	۱۸
۹۸۸	۳	۶۲/۵	۱۰	۱۸۸	۳	۱۶	۱۹
۳۱/۲	۵	۳۱/۲	۵	۵۰	۸	۱۶	۲۰
۱۸۸	۳	۴۳/۸	۷	۳۷/۵	۶	۱۶	۲۱
۳۷/۵	۶	۱۸۸	۳	۴۳/۸	۷	۱۶	۲۲
۱۲/۵	۲	۱۸۸	۳	۳۷	۱۱	۱۶	۲۳
۵۰	۸	۵۰	۸	۰	۰	۱۶	۲۴
۱۲/۵	۲	۱۲/۵	۲	۷۵	۱۲	۱۶	۲۵
۴۳/۸	۷	۵۷/۲	۹	۰	۰	۱۶	۲۶
۳۱/۲	۵	۳۷	۱۱	۰	۰	۱۶	۲۷
۳۱/۲	۵	۵۰	۸	۱۸۸	۳	۱۶	۲۸

(ملاحظة: یافته‌های تحقیق)

ادامه جدول شماره ۳- توزیع فراوانی میانگین نمرات ا فشار سه گانه به تفکیک روستاها

۴۳/۷	۷	۵۷/۲	۹	۰	۰	۱۶	ستریلیتی	۴۱
۱۸/۷	۳	۲۵	۴	۵۶/۲	۹	۱۶	سازمان انقلاب	۴۲
۵۶/۲	۹	۱۷/۵	۲	۳۱/۲	۵	۱۶	چالکی	۴۳
۵۰	۸	۵۰	۸	۰	۰	۱۶	تختی محله	۴۴
۶۸/۷	۱۱	۳۱/۲	۵	۰	۰	۱۶	لمسک	۴۵
۶۲/۵	۱۰	۲۵	۴	۱۷/۵	۲	۱۶	گوزن فارس	۴۶
۶۸/۷	۱۱	۱۸/۷	۳	۱۷/۵	۲	۱۶	محمدآباد	۴۷
۵۰	۸	۶/۲	۱	۴۳/۷	۷	۱۶	چمن سارر	۴۸
۷۵	۱۲	۲۵	۴	۰	۰	۱۶	بالاجاده	۴۹
۴۲/۵	۱۰	۱۸/۷	۳	۱۸/۷	۳	۱۶	گر شرقی	۵۰
۳۳/۲	۲۱۶	۳۸/۶	۳۰۹	۷۸/۱	۲۲۵	۸۰۰	جمع	

(راخذ : یافته های تحقیق)



براساس داده‌های جدول شماره ۳ مشخص می‌شود که بیشترین تعداد قشر پائین مربوط به روستاهای گدم‌آباد در شهرستان گنبد و الثجر در شهرستان مینودشت می‌باشد (هر کدام ۷۵ درصد). روستاهای مذکور با اینکه نسبتاً پرجمعیت و نزدیک به شهر هستند لیکن بیشتر ساکنان آنها به لایه‌های پائین اجتماع تعلق داشته‌اند.

بیشترین تعداد قشر متوسط مربوط به روستای پیچک محله در شهرستان علی‌آباد بوده است (۸۷۲ درصد). بیشترین جمعیت قشر بالا در روستای بالا جاده کردکوی سکونت داشته‌اند. (۷۵ درصد). روستای آق‌قمیش در شهرستان مینودشت هیچ‌کدام از ساکنان آن در قشر متوسط جای نگرفته‌اند. روستاهای زابلی آباد در گنبد، بلوچ‌آباد در رامیان و امام‌آباد سیستانی‌ها در علی‌آباد هیچ‌کدام از ساکنان آن برخوردار از پایگاه اجتماعی بالا نبوده‌اند.

۲- توصیف متغیرهای مستقل

برای توصیف داده‌ها از آماره‌های توصیفی همچون فراوانی، درصد و میانگین استفاده شده است. از آنجا که در اصل طرح برای هر متغیر چند سوال طرح شده است در این مقاله در مورد هر کدام از متغیرها تنها به یک مورد از پاسخ‌های داده شده اشاره و اکتفا شده است.

نوآوری

داده‌های جدول شماره (۴) نشان می‌دهد که ۵۲ درصد از پاسخگویان با ادامه روش زندگی پدران خود مخالف و ۴۲ درصد نیز موافقند. این امر نشانگر آن است که بیشتر مردم روستایی جامعه مورد مطالعه تمایل دارند روش‌های قدیمی زندگی را کنار بگذارند شاید این امر یکی از ریشه‌های اصلی مهاجرت از روستا به شهر باشد.

این امر در مناطق مختلف استان متفاوت است. به طوری که تعداد مخالفین در شهرستان‌های گنبد و رامیان کمتر از تعداد موافقین است که نشان می‌دهد تمایل به نوآوری در میان مردم روستایی مناطق مذکور کمتر

جدول شماره ۴- توزیع فراوانی نسبی پاسخگویان بر حسب موافقت با روش زندگی پدران

شرح (میزان موافقت)	متوسط درصدها در شهرستان‌های ۱۱ گانه
کاملاً موافق	۱۵/۳
موافق	۲۶/۴
بی‌نظر	۶/۵
مخالف	۴۲/۱
کاملاً مخالف	۹/۷
جمع	۱۰۰

(مأخذ: یافته‌های تحقیق)

است اوج مخالفت با روش زندگی پدران در گرگان و آق‌قلا بوده است.

انگیزه پیشرفت

اغلب روستائیان مورد مطالعه در مورد این پرسش که آیا این چند روز عمر ارزش این همه کار کردن را دارد؟ پاسخ مثبت داده‌اند. (جدول شماره ۵) کسانی که با این امر موافق نیستند ۳۹ درصد از جامعه آماری را تشکیل می‌دهند این امر نشان می‌دهد که در نزد روستائیان استان هنوز ارزش کار مفید همچنان به قوت خود باقی است و از علائم انگیزه پیشرفت است.

بررسی این مساله در ارتباط با عامل فرهنگی زبان نشان می‌دهد که سیستانی‌ها ۸۸ درصد، فارس‌ها ۷۹۲

جدول شماره ۵- توزیع فراوانی نسبی پاسخگویان بر حسب تمایل به سخت‌کوشی

شرح	متوسط درصد در شهرستان‌های بازه گانه استان
بلی	۵۸/۹
خیر	۳۹
بی‌نظر	۲/۱
جمع	۱۰۰

(مأخذ: یافته‌های تحقیق)

درصد و ترکمن‌ها ۸۷۶ درصد معتقد به سخت‌کوشی بوده‌اند. همچنین شهرستان‌های گرگان، آق‌قلا، کلاله و بندرگز بیشترین درصد به لحاظ سخت‌کوشی مینودشت، رامیان و علی‌آباد کمترین درصد را به خود اختصاص داده‌اند.

براین اساس روستائیان ساکن در شهرستان‌های گرگان، گنبد و علی‌آباد بیشترین درصد را در ارتباط با تمایل به پس‌انداز به خود اختصاص داده‌اند و شهرستان‌های رامیان، مینودشت و کلاله کمترین درصدها

جدول شماره ۶- توزیع فراوانی نسبی پاسخگویان بر حسب نحوه خرج کردن پولی که در

قرعه‌کشی بانک‌ها برنده می‌شوند.

شرح	متوسط درصد در شهرستان‌های بازه گانه استان
خرید مایحتاج زندگی	۳۲
پس‌انداز	۴۳
خرید زمین	۱۸/۲
شانس آن را ندارم	۶/۸
جمع	۱۰۰

(مأخذ: یافته‌های تحقیق)

را داشته‌اند.

در مورد آینده‌نگری بین اقوام سه‌گانه (فارس، ترکمن و سیستانی) تفاوت قابل ملاحظه‌ای وجود نداشته است.

تقدیر گرایی

بر اساس داده‌های جدول شماره ۷ و در پاسخ به این سوال که آیا سرنوشت هر فردی از قبل تعیین شده است، متوسط درصد در مناطق مختلف استان گلستان نشان می‌دهد که حدود ۶۷٪ در صد روستائیان گلستانی به این امر معتقد هستند و به آن جواب مثبت داده‌اند و ۲۷ درصد نیز اعتقادی به این مسأله نداشتند. همچنین بر اساس یافته‌های تحقیق بیشترین درصد تقدیر گرایی در شهرستان‌های گنبد و آق‌قلا قرارداد کمترین درصدها در بندر گز و کردکوی ملاحظه می‌شود هر چند در دو شهرستان اخیر نیز بیش از ۵۰

جدول شماره ۷- توزیع فراوانی نسبی پاسخگویان بر حسب اعتقاد به اینکه سرنوشت فرد از قبل تعیین شده است.

پاسخ	تعداد
بلی	۶۱/۵
خیر	۲۷/۳
گاهی	۳
نمی‌دانم	۸/۳
جمع	۱۰۰

(مأخذ: یافته‌های تحقیق)

درصد از ساکنان روستایی آن تقدیرگرا بوده‌اند در همین رابطه با در نظر گرفتن عنصر فرهنگی زبان، تفاوت خاصی بین گروه‌های مختلف قومی مشاهده نشده است و همه آنها تا حد زیادی تقدیرگرا بوده‌اند.

محلّی گرایی

با توجه به جدول شماره ۸ معلوم می‌شود که اکثر روستائیان استان در صورتی که شرایط ایجاب کند حاضرند سرزمین پدری خود را ترک کنند و در جستجوی زندگی بهتر حتی غم غربت را به جان بخرند. به عبارت دیگر بیشتر ساکنان مناطق روستایی استان برای تحرک جغرافیایی آمادگی دارند و این امر حکایت از عدم محلّی گرایی دارد (۶۲ درصد).

جدول شماره ۸- به نظر شما آیا لزومی دارد جهت رسیدن به یک زندگی بهتر آدم از سرزمین و دیار خود مهاجرت کرده و غم غربت را بجان بخرد

شرح	متوسط درصد در شهرستان‌ها
بلی	۶۲
خیر	۳۳/۱
نمی‌دانم	۴/۹
جمع	۱۰۰

(مأخذ: یافته‌های تحقیق)

خانواده گرایی

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر و آنچه که از داده‌های جدول شماره ۹ برمی‌آید معلوم می‌شود که روستائیان استان گلستان زندگی مستقل و انفرادی را بر خانواده‌های گسترده ترجیح می‌دهند به طوری که ۸۱/۵ درصد از پاسخگویان تمایل به تشکیل خانواده هسته‌ای دارند. اما این به معنای از بین رفتن انسجام و عصیبت خانوادگی نیست. زیرا طبق جدول شماره ۱۰، ۴۱ درصد آنان پس از زندگی مستقل نیز حاضرند کماکان به خانواده‌های خود کمک مالی نمایند و خانواده گرایی چیزی نیست «جز وابستگی منافع فردی به منافع خانوادگی»، لذا می‌توان گفت روستائین استان اصالتاً خانواده گرا هستند هر چند که شکل و قالب آن تغییر یافته است.

احساس بیگانگی اجتماعی

بر مبنای یافته‌های این پژوهش در رابطه با احساس بیگانگی اجتماعی و در این پرسش که (آیا آدم می‌تواند به مردم اعتماد کند) متوسط درصدها نشان می‌دهد که ۴۳/۵ درصد از روستائیان اظهار می‌دارند که به مردم تا حدی می‌توان اعتماد کرد. ۱۶ درصد معتقدند که کم می‌شود به مردم اعتماد داشت. در حالیکه ۱۸ درصد

جدول شماره ۹- آیا به نظر شما زندگی مستقل بهتر است؟

شرح	متوسط درصد در شهرستان‌ها
بلی	۸۱/۵
خیر	۱۶/۶
نمی‌دانم	۳/۹
جمع	۱۰۰

(مأخذ: یافته‌های تحقیق)



جدول شماره ۱۰- آیا پس از اختیار کردن زندگی مستقل حاضرید به خانواده پدری خود

کمک مالی نمائید؟

نوع پاسخ	تعداد در صد در شهرستانها
بلی	۴۱/۱
خیر	۴۲/۷
نمی دانم	۱۶/۶
جمع	۱۰۰

(مأخذ: یافته‌های تحقیق)

معتقدند که اصلاً نمی توان به مردم اعتماد داشت (جدول شماره ۱۱) عدم اعتماد مردم روستایی به یکدیگر که از علائم بیگانگی اجتماعی بوده و با فرهنگ مشارکت، همیاری و حمیت جمعی ناسازگار است می تواند از سابقه بسیار نامالیم ارباب رعیتی در دهه های گذشته نشأت گیرد که نوعی فرهنگ بی اعتمادی را در دنیای ساده روستایی رواج داده است.

در خصوص احساس بیگانگی اجتماعی به لحاظ عنصر فرهنگی زبان بین قومیت های فارس، ترکمن و سیستانی تفاوت خاصی مشاهده نشد به گونه ای که در پاسخ به سوالی در مورد روی آوردن به کار گروهی و غیر منفرد پاسخ های (همه اوقات و اغلب مواقع) اندک است و پاسخ (گاهگاهی) بیشتر مشاهده می شود و این امر در بین هر سه گویش کم و بیش یکسان است.

فقدان همدلی

فقدان همدلی به مفهوم عدم توان تصور خود در نقش دیگران به مثابه نوعی عامل منزوی کننده ذهنی عمل می کند این امر در میان روستائیان از یک طرف ارتباط به محیط بسته روستا دارد و از سوی دیگر روستائیان

جدول شماره ۱۱- چقدر می توان به مردم اعتماد کرد؟

نوع پاسخ	تعداد در صد در شهرستانها
خیلی زیاد	۶/۵
زیاد	۱۶/۲
تا حدی	۴۳/۵
کم	۱۶
اصلاً	۱۷/۶
جمع	۱۰۰

(مأخذ: یافته‌های تحقیق)

به علت خودکفایی و عدم وابستگی به شهر در طول تاریخ غالباً خود را اداره کرده‌اند و خودیار زندگی کرده‌اند و این خودیاری وابستگی او را نسبت به دیگران و همدلی با دیگران کاهش داده است. (ازکیا ۱۳۷۴)

همان طور که جدول شماره ۱۲ نشان می‌دهد ۴۲ درصد روستائیان مورد مطالعه توان تصور خود در نقش مقام‌های بالای دولتی را دارند و ۳۸ درصد فاقد تصور خود در چنین موقعیتی هستند و ۲۰ درصد نیز به توانایی خود به دیده شک و تردید نگاه می‌کنند.

نوع نگرش به دولت

بر اساس داده‌های جدول شماره ۱۳ در خصوص نگرش روستائیان به دولت، ۶۰ درصد از روستائیان مورد مطالعه با این امر موافقت می‌کنند که سیاست دولت در جهت حمایت هر چه بیشتر روستائیان است و تنها حدود ۲۰ درصد مخالف این قضیه هستند.

جدول شماره ۱۲- آیا برای شما قابل تصور است که روزی به یک مقام بالای دولتی در سطح

شهرستان منصوب شوید؟

نوع پاسخ	تعداد در صد در شهرستانها
بلی	۴۲
خیر	۳۸
شاید	۲۰
جمع	۱۰۰

(مأخذ: یافته‌های تحقیق)

جدول شماره ۱۳- سیاست دولت در جهت حمایت هر چه بیشتر روستائیان است

نوع پاسخ	تعداد در صد در شهرستانها
کاملاً موافقم	۳۵
موافقم	۲۵
بی نظیر	۱۰
مخالفم	۲۰
کاملاً مخالفم	۱۰
جمع	۱۰۰

(مأخذ: یافته‌های تحقیق)

جدول شماره ۱۴- چندان امیدی به حل مشکلات روستائیان در کشور وجود ندارد

کاملاً موافقم	۱۰
موافقم	۱۸
بی نظیر	۱۲
مخالقم	۳۰
کاملاً مخالفم	۳۰
جمع	۱۰۰

(مأخذ: یافته‌های تحقیق)

برای روشن شدن مواضع روستائیان در مورد دولت سوال فوق به گونه‌ای دیگر نیز مطرح شده است که پاسخ‌های ارائه شده مواضع اولیه آنها را تایید می‌کند. بدین ترتیب که این بار نظر پاسخگویان در مورد اینکه (چندان امیدی به حل مشکلات روستائیان وجود ندارد) سوال شد که پاسخ‌ها در جدول شماره ۱۴ منعکس شده است.

۳- تحلیل داده‌ها

تحلیل همبستگی Correlation Analysis

در این پژوهش، طبقه اجتماعی افراد به عنوان متغیر وابسته رابطه آن با متغیرهای مستقل رتبه‌ای (عناصر خرده فرهنگی) مورد بررسی قرار گرفته است. (جدول شماره ۱۵)

بر اساس داده‌های جدول شماره (۱۵) ملاحظه می‌شود که بین متغیر طبقه اجتماعی که یک متغیر رتبه‌ای می‌باشد با متغیرهای مستقل میزان پذیرش نوآوری، میزان آینده‌نگری و انگیزه پیشرفت همبستگی مثبت وجود دارد و ارتباط آنها طبق آزمون اسپیرمن معنی دار بوده است اما بین متغیر مستقل همدلی با طبقه اجتماعی ارتباط معنی دار وجود نداشته است.

آزمون کای سکوئر

جهت بررسی ارتباط بین متغیرهای مستقل اسمی با متغیرهای وابسته رتبه‌ای از آزمون کایسکوئر استفاده و نتایج آن در جدول شماره ۱۶ منعکس گردیده است. با توجه به جدول شماره ۱۶ معلوم می‌شود از بین متغیرهای مستقل اسمی فقط متغیر محلی گرایی با متغیر وابسته طبقه اجتماعی دارای ارتباط معنی دار بوده و بقیه متغیرهای اسمی ارتباط معنی دار با متغیر وابسته طبقه اجتماعی نداشته‌اند. زیرا سطح معنی داری آنها بسیار پائین تر از سطح معنی داری قابل قبول آماری است. به طور کلی با توجه به نتایج حاصل از آزمون

جدول شماره ۱۵- ضرایب همبستگی و سطح معنی‌داری متغیرهای مستقل (عناصر خرده‌فرهنگی) با متغیر وابسته (طبقه اجتماعی)

ردیف	متغیر مستقل		متغیر وابسته		آزمون بکار رفته	ضریب همبستگی (R)	سطح معنی‌داری (P)
	نام متغیر	مقیاس متغیر	نام متغیر	مقیاس متغیر			
۱	میزان پذیرش نوآوری	رتبه‌ای	طبقه اجتماعی	رتبه‌ای	اسپیرمن	۰/۶۸۲	۰/۰۰۰
۲	میزان آینده‌نگری	رتبه‌ای	طبقه اجتماعی	رتبه‌ای	اسپیرمن	۰/۷۲۵	۰/۰۰۰
۳	میزان انگیزه	رتبه‌ای	طبقه اجتماعی	رتبه‌ای	اسپیرمن	۰/۴۷۲	۰/۰۰۰
۴	میزان همدلی	رتبه‌ای	طبقه اجتماعی	رتبه‌ای	اسپیرمن	۰/۱۵۵	۰/۲۴۸

(مأخذ: یافته‌های تحقیق)

همبستگی و آزمون کای اسکور می‌توان گفت پایگاه اجتماعی افراد تا حدی و نه به طور کامل با عناصر خرده‌فرهنگی ارتباط دارد چرا که از بین ۹ مولفه خرده‌فرهنگی ۴ مورد با متغیر پایگاه اجتماعی ارتباط معنی‌دار داشته‌اند و ۵ مورد نیز فاقد ارتباط معنی‌دار بوده‌اند.

تحلیل رگرسیون برای تبیین طبقه اجتماعی

از آنجا که ممکن است همبستگی برخی از متغیرهای مستقل با متغیر وابسته ظاهری و جعلی باشند لذا برای اطمینان از تأثیر متقابل ۴ متغیر مستقل شامل (محلی‌گرایی، نوآوری، آینده‌نگری و انگیزه پیشرفت) با

جدول شماره ۱۶- آزمون کای اسکور سطح معنی‌داری هر یک از متغیرهای مستقل با متغیر

وابسته

ردیف	متغیر مستقل		متغیر وابسته		ضریب کای اسکور (chi)	سطح معنی‌داری (sig)
	نام متغیر	مقیاس متغیر	نام متغیر	مقیاس متغیر		
۱	تقدیرگرایی	اسمی	طبقه اجتماعی	رتبه‌ای	۱۲۸/۴	۰/۲۳۸۴
۲	خانواده‌گرایی	اسمی	طبقه اجتماعی	رتبه‌ای	۵۵/۹	۰/۳۴۲۱
۳	محلی‌گرایی	اسمی	طبقه اجتماعی	رتبه‌ای	۹/۲۵۴۶	۰/۰۰۰۶
۴	نگرش به دولت	اسمی	طبقه اجتماعی	رتبه‌ای	۱۹۸۸/۲۵	۰/۹۲۰۸
۵	احساس بیگانگی اجتماعی	اسمی	طبقه اجتماعی	رتبه‌ای	۲۸/۶۷	۰/۲۵۶۸

(مأخذ: یافته‌های تحقیق)

متغیر وابسته طبقه اجتماعی از تحلیل رگرسیون با روش پس رونده استفاده می کنیم تا از این طریق بتوان روابط چند متغیر مستقل با متغیر وابسته را به طور همزمان نیز بررسی نمایم.

رگرسیون چند متغیری برای تبیین پایگاه و منزلت اجتماعی افراد نشان داد که چهار متغیر مذکور ۷۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می دهند ($\text{square-R} = 78\%$) ۲۲ درصد مربوط به عوامل و متغیرهایی بوده است که در معادله وارد نشده اند.

یافته های تحلیل رگرسیونی حاکی از آن است که بیشترین تاثیر مربوط به متغیر انگیزه پیشرفت است. ($\text{Beta} = 5/667$) این مطلب بیانگر آن است که با افزایش انگیزه پیشرفت، طبقه اجتماعی افراد نیز ترقی می یابد. پس از آن بیشترین ارتباط بین آینده نگری با متغیر وابسته مشاهده شده است ($\text{Beta} = 3/259$) که نشان می دهد هر چه روستائیان آینده نگرتر باشند سطح طبقه اجتماعی و منزلت آنها در جامعه ارتقاء می یابد. همچنین متغیر نوآوری نیز به تحرک صعودی طبقه اجتماعی فرد کمک می کند. آزمون معنی داری (T) و ضریب تاثیر Beta برای متغیر محلی گرایی منفی است. علت اصلی این رابطه و تاثیر معکوس آن است که هر چه افراد محلی گراتر باشند و از وجهه نظرهای جهان میهنی برخوردار نباشند به همان نسبت طبقه اجتماعی آنها نیز تنزل می یابد.

بر اساس یافته های تحقیق حاضر ضریب چندگانه (R-Multiple) مساوی ۰/۸۸ بوده است که نشان دهنده رابطه زیاد متغیرهای مستقل با متغیر وابسته می باشد.

تحلیل واریانس

در این پژوهش از آزمون آنالیز واریانس (آزمون F) برای دو منظور استفاده شد:

الف) بررسی گروه های مختلف درآمدی شامل (فقیر، متوسط، ثروتمند) از لحاظ عناصر خرده فرهنگی
 ب) بررسی قومیت های مختلف شامل (فارس، ترکمن و سیستانی) از لحاظ عناصر خرده فرهنگی.
 نتایج تحلیل واریانس نشان داد که بین افراد فقیر، متوسط و مرفه از لحاظ میزان پذیرش نوآوری، میزان آینده نگری، انگیزه پیشرفت، محلی گرایی، نوع نگرش به دولت و احساس بیگانگی اجتماعی، اختلاف معنی دار وجود دارد. اما از لحاظ خانواده گرایی، تقدیر گرایی و میزان همدلی بین افراد فقیر و ثروتمند تفاوت خاصی وجود نداشته است. به عبارت دیگر ا فشار مختلف درآمدی از لحاظ صفات اخیرالذکر همگن بوده از توزیع نرمال برخوردارند.

نتایج تحلیل واریانس عناصر خرده فرهنگی از لحاظ قومیت گویای آن است که بین اقوام سه گانه فارس، ترکمن و سیستانی از لحاظ پذیرش نوآوری، انگیزه پیشرفت، خانواده گرایی، نحوه نگرش به دولت و احساس بیگانگی اجتماعی، اختلاف معنی دار وجود دارد بدین معنا که از نظر صفات فوق بین گروه های مختلف قومی تفاوت وجود دارد.

لیکن از نظر چهار عنصر (میزان آینده‌نگری، میزان همدلی، تقدیرگرایی و محلی‌گرایی) بین گروه‌های سه گانه قومیتی اختلاف معنی‌دار مشاهده نشده است که این امر علامت همگن بودن جوامع مذکور از حیث داشتن این گونه صفات می‌باشد.

تحلیل عاملی (Factor Analysis)

برای انجام تحلیل عاملی ۹ متغیر از عناصر خرده فرهنگ‌ها و چهار متغیر از عناصر قشربندی شامل (ثروت، نسبت درآمد به هزینه، شغل و تحصیلات) وارد معادله شدند و در مجموع ۱۳ متغیر اثرات یکجای آنها با هم مورد بررسی قرار گرفت.

برای تشخیص مناسب بودن داده‌های به کار رفته، از آزمون‌های بارتلت (Bartlett) و MSA استفاده گردید که درصد معنی‌داری هر یک به ترتیب ۰/۰۰۲۸ و ۷۲٪ نشانه خوب بودن و مناسب بودن متغیرهای به کار رفته در تحلیل عاملی می‌باشد.

بعد از مرحله چرخش متوقف متغیرها به منظور تسهیل در تفسیر عامل‌ها و ساده کردن ساختار آنها از چرخش عاملی باروش و ریماکس (Varimax) استفاده شد. نتایج نهایی سه عامل اصلی را شناسایی می‌کند که مجموعه عوامل سه گانه ۵۷٪ درصد واریانس کل متغیرها را به خود اختصاص داده‌اند براین اساس متغیرهای انگیزه پیشرفت، آینده‌نگری، ثروت و نسبت درآمد به هزینه بیشترین تاثیر را در تشکیل عامل اول داشته‌اند. مقدار ویژه عامل اول ۶/۶۹ بوده است و ۳۲٪ درصد از واریانس کل متغیرها را شامل می‌شود. با توجه به اینکه این عامل پیشرفت و اقتصاد را اندازه‌گیری می‌کند بنابراین اسم آن را می‌توان «عامل پیشرفت اقتصادی» نامگذاری کرد.

متغیرهای میزان پذیرش نوآوری، تحصیلات و شغل، بیشترین نقش را در ایجاد عامل دوم داشته‌اند و مقدار ویژه این عامل (۴/۸) می‌باشد که ۱۷٪ از واریانس کل متغیرها را به خود اختصاص می‌دهد. با توجه به نوع متغیرهای عامل دوم، می‌توان آن را تحت عنوان «عامل خلاقیت شغلی» نامگذاری نمود.

در ایجاد عامل سوم متغیرهای محلی‌گرایی و تقدیرگرایی نقش بیشتری داشته‌اند. مقدار ویژه این عامل ۲/۲۲ می‌باشد که ۷٪ از واریانس کل متغیرها را شامل می‌شود. اسم این عامل را می‌توان «عامل جبر مکانی» نامگذاری نمود. زیرا جبر به تقدیر، سرنوشت و قضا و قدر دلالت دارد و مکان نیز به دل بستگی‌های فرد به محیط زندگی و مکان به دنیا آمدن و موطن و آب و خاک دلالت دارد و کسانی که محلی‌گرا هستند سرنوشت خود را داخل محدوده زادگاهی که در آن به دنیا آمده‌اند محدود و محصور می‌دانند. بنابراین کنار هم قرار گرفتن این دو متغیر تا حدی منطقی به نظر می‌رسد.

بطور کلی با توجه به نتایج تحلیل عاملی ۳ فاکتور (عامل پیشرفت اقتصادی)، (عامل خلاقیت شغلی) و (عامل جبر مکانی) مهم‌ترین عواملی هستند که در تعیین ویژگی‌های خرده فرهنگ‌ها و تعیین اقبال اجتماعی



دلالت دارند.

بحث و تحلیل یافته ها

قسمت اول: نتایج حاصل از قشر بندی اجتماعی اقتصادی جامعه روستایی مورد مطالعه

بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش، ۳ قشر روستایی شامل پائین، متوسط و بالا از یکدیگر متمایز گردید که فراوانی آنها در جامعه مورد مطالعه به ترتیب ۲۸۱، ۳۸۶ و ۳۳۲ درصد می باشد. افراد متعلق به طبقات پائین در ویژگی های هم چون نداشتن زمین کشاورزی، کارگر ساده بودن، کم سواد بودن و ضعف بنیه اقتصادی مشترک هستند. به نظر می رسد در میان این عده فرایند انسداد اجتماعی عینیت دارد. زیرا صاحبان ثروت و سرمایه با در دست گرفتن منابع مختلف ثروت و منزلت، امکان هر گونه تحرک اجتماعی را از این افراد سلب کرده اند.

قشر متوسط جامعه اکثرا به شغل کشاورزی اشتغال داشته و در کنار آن به برخی از مشاغل اداری نظیر کارمندی و کارهای خدمتی نیز مشغولند. نسبت در آمد به هزینه این افراد حدودا برابر یک بوده است. به دیگر سخن در آمدشان برابر با هزینه هایشان برآورد شده است. امکانات زندگی آنها نسبت به طبقات پائین تر بهتر است و معمولا از مسکن مناسب تری برخوردارند و از وسایط نقلیه مثل موتورسیکلت و گاها اتومبیل نیز برخوردارند. ۵۰ درصد این افراد تحصیلات عالی و تکمیلی دارند.

در بین طبقه بالای جامعه روستایی مورد مطالعه شغل اکثریت آنها کشاورزی و دامداری بوده است و فرد کارگر یا بدون شغل در میان آنان دیده نمی شود و این افراد با اینکه در آمد بالایی دارند اما برخی از آنان کم سواد و حتی بی سواد هستند ولی سطح زندگی بالایی دارند و به همان نسبت از احترام و منزلت اجتماعی بیشتری نیز برخوردارند.

از لحاظ جنسیت، در قشر مرفه و بالا هیچ زنی به عنوان سرپرست خانوار دیده نمی شود. از کل سرپرستان زن ۶۵/۸ درصد در قشر پائین و ۳۴/۲ درصد در قشر متوسط قرار گرفته اند که شکل توزیع نشان می دهد حدود دو سوم آنها در قشر پائین قرار گرفته اند در حالیکه در مقایسه با سرپرستان مرد معلوم می شود که فقط حدود ۲۶/۲ درصد از آنها در قشر پائین واقع شده اند که این امر خود تاییدی بر تنزل پایگاه اجتماعی زنان در جامعه روستایی می باشد.

به طور کلی بیشتر جمعیت ساکن در مناطق روستایی استان در قشر متوسط جای گرفته اند (۳۸۶ درصد) و ۳۳/۲ درصد نیز به قشر بالا تعلق داشته اند. لذا می توان گفت بیش از ۷۰ درصد مردم روستایی استان گلستان از پایگاه اقتصادی اجتماعی خوبی برخوردارند. از آنجا که وجود آدم های توانمند و توسعه یافته یکی از لوازم رسیدن به توسعه پایدار می باشد و به دلیل اینکه اقشار متوسط و بالا از چنین ویژگی یعنی توانا بودن و کارایی برخوردارند لذا این امر زمینه مساعدی را برای پیشبرد برنامه های توسعه روستایی در مناطق

روستایی مورد مطالعه فراهم می‌سازد و می‌تواند به عنوان کاتالیزور و موتور محرکه توسعه قلمداد شود. بنابراین افق توسعه در استان از این نظر روشن و امیدوار کننده است.

قسمت دوم: نتایج حاصل از بررسی عناصر خرده‌فرهنگی در مناطق روستایی مورد مطالعه
با توجه به نتایج بررسی در مورد نوآوری در بین روستائیان استان گلستان چنین می‌توان نتیجه گرفت که آنها با وجود داشتن گرایش به پذیرش ایده‌های جدید، هرگز به صورت نسنجیده و بدون منطق زیر بار نوآوری‌ها نمی‌روند و تا زمانی که از ماهیت واقعی پدیده‌های جدید مطمئن نشوند و از دستاوردهای آن اطمینان حاصل نکنند آن را به سادگی نمی‌پذیرند. بنابراین مروجان و مبلغان ایده‌های جدید ابتدا باید به سلاح منطق و استدلال مجهز باشند سپس به سراغ روستائیان بروند و آنان را کاملاً نسبت به فواید پدیده‌های جدید توجیه نمایند. در غیر این صورت انتظار پذیرش و استقبال روستائیان از برنامه‌های توسعه منطقی نخواهد بود.

انگیزه پیشرفت

بر اساس یافته‌های تحقیق حاضر در کل می‌توان به این نتیجه رسید که اکثریت روستائیان جامعه مورد مطالعه، خواست‌ها و آرزوهای بلندپروازانه ندارند اما از طرفی معتقد به سختکوشی هستند و به این نکته واقفند که در این فاصله زمانی کوتاه و این چند روز عمر باید سخت کار کرد. بنابراین تلاش و جدیت همراه با روحیه قناعت و ویژگی‌هایی هستند که در جهت تغییر و توسعه در سطح روستاها می‌توانند کارکرد مثبت داشته باشند.

عدم آینده‌نگری

با توجه به نتایج این پژوهش عدم آینده‌نگری و داشتن دیدگاه زمانی محدود در بین روستائیان گلستانی مصداق نداشته است. به قول اسوپ فابل (Aesop fable) اگر در مواردی هم روستائی‌ها منافع آنی را به منافع درازمدت ترجیح دهند علت آن است که چاره‌ای جز این ندارند.

تقدیر گرایی

نتایج به دست آمده در رابطه با تقدیرگرایی حاکی از آن است که در مناطق روستایی استان گلستان گرایش کامل به سرنوشت‌گرا بودن روستائیان ملاحظه می‌شود اما در مورد برخی از سوالات که با بینش و سطح فکر روستائیان ارتباط پیدا می‌کند مشاهده می‌شود که درصد قابل توجهی نیز اعتقاد به قضا و قدر ندارند این دو دسته پاسخ می‌تواند بسیار پر معنی باشد بدین معنی که روستائیان استان علاوه بر اینکه سرنوشت‌گرا هستند، واقع‌گرا نیز می‌باشند و بر حسب مورد و مقتضیات زمانی و مکانی تصمیم می‌گیرند.

محلی‌گرایی

به نظر می‌رسد با توجه به برقراری ارتباط روزافزون میان شهر و روستا و گسترش رسانه‌های جمعی مخصوصاً رادیو و تلویزیون در محیط روستاها، محلی‌گرایی در بین روستائیان استان مصداق عینی ندارد. لذا برای توسعه روستایی اگر محلی‌گرایی به عنوان یک مانع باشد، چنین مانعی در روستاهای گلستان وجود ندارد.

خانواده‌گرایی

به نظر از کیا، خانواده‌گرایی یکی از عناصر خرده فرهنگ روستایی است که هم به عنوان سدی در مقابل دگرگونی و هم به عنوان قربانی آن عمل می‌کند. مطابق نتایج این تحقیق تمایل جامعه مورد مطالعه به زندگی انفرادی و تشکیل خانواده‌های هسته‌ای خیلی زیاد است اما این مطلب به مفهوم از بین رفتن انسجام و عصبیت خانوادگی نیست زیرا بیشتر پاسخگویان پس از اختیار کردن زندگی مستقل نیز حاضرند به خانواده‌های پدری خود کمک مالی داشته باشند. لذا می‌توان گفت خانواده‌گرایی اصیل در بین روستائیان استان وجود دارد اما شکل و قالب آن تغییر یافته است. در مجموع روستائیان از هر لحاظ حامی و پشتیبان خانواده‌های پدری خود هستند اما به روال گذشته دوست ندارند مطیع و فرمانبردار یک نفر به نام رئیس خانواده باشند. بنابراین اگر در گذشته برای القای یک پدیده جدید لازم بود فقط کدخدای ده را بینی امروز باید سراغ تک تک افراد برویم به دیگر سخن امروز مخاطبان توسعه افراد هستند و نه رئیسان قبیله.

احساس بیگانگی اجتماعی

با توجه به نتایج این پژوهش دوری جستن از کارهای جمعی و روی آوردن به کارهای فردی در بین روستائیان مورد مطالعه حاکم شده است. این روحیه فردگرایی در واقع ناشی از عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی می‌باشد. به نظر از کیا این احساس می‌تواند از سابقه بسیار نامالیم ارباب رعیتی در دهه‌های گذشته نشأت گیرد که نوعی فرهنگ بی‌اعتمادی را در دنیای ساده روستایی رواج داده است. (۱۳۷۴) از طرف دیگر برخی از محققان نیز اجرای برنامه‌های به اصطلاح توسعه روستایی را مسبب بروز این پدیده به خصوص در بین قشر خوش‌نشین عنوان نموده‌اند. مسلم است که این روحیه موجب عدم همکاری و تعاون در بین مردم می‌شود و با فرهنگ مشارکت ناسازگار است. لذا مرد و جان و کار گزاران مسائل فرهنگی در اشاعه فرهنگ‌ها و ایده‌های نو به این نکته توجه نمایند که ظرفیت کارگروهی در بین روستائیان استان اندک است و برنامه‌ها به نحوی باید تنظیم شود که منافع فردی روستائیان را هدف قرار دهد.

فقدان همدلی

این خصوصیات در بین روستائیان گلستان اندک است. به عبارت دیگر اکثر آنها توانایی تصور خویش در نقش‌های دیگر را دارند که در جهت پیشبرد برنامه‌های توسعه یک ویژگی مثبت به حساب می‌آید. نوع نگرش به دولت

روستائیان مورد مطالعه نسبت به دولت از نگرش مساعد و مثبت برخوردارند که علت آن می‌تواند ناشی از اقدامات گسترده رفع محرومیت و فقرزدایی از روستاها پس از پیروزی انقلاب اسلامی باشد. لذا روستائیان به دولت به عنوان یک حامی و پشتیبان قوی نگاه می‌کنند. لذا اعتماد مردم به دولت برای انجام برنامه‌های توسعه می‌تواند یک ویژگی مطلوب تلقی شود. اما نباید فراموش کرد که همه چیز را از دولت خواستن و در تمام امور متکی به کمک‌های دولت بودن با توجه به امکانات محدود و گستردگی روستاها عملاً می‌تواند مشکل ایجاد کند لذا دولت باید از پارادایم (حکومت خوب) که همه چیز را در تمرکز خود دارد به سوی (حاکمیت یاری خوب) یعنی واگذاری امور به نهادهای محلی و برآمده از آرا مردم حرکت کند. تشکیل دهیاری‌ها و طراحی نظام نوین مدیریت روستایی گام خوبی در این راستا به شمار می‌رود. نتایج تحلیل عاملی حاکی از آن است که ۳ فاکتور عمده در تعیین ویژگی‌های خرده فرهنگی و تعیین طبقه اجتماعی افراد نقش دارند که عبارتند از: ۱- عامل پیشرفت اقتصادی یا روحیه کارفرمایی ۲- عامل خلاقیت شغلی یا کارآفرینی ۳- عامل جبر مکانی یا قید و بندهای زمان و مکان لذا در تعیین اولویت‌ها و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی اجتماعی و تدوین برنامه‌های توسعه فرهنگی و اجتماعی در سطح روستاهای استان توجه به سه پارامتر یاد شده می‌تواند راهگشا باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

طبق نتایج حاصل از تحلیل واریانس مشخص گردید که قومیت‌های مختلف در استان (فارس، ترکمن و سیستانی) از لحاظ عناصر خرده فرهنگی (آینده‌نگری، فقدان همدلی، تقدیرگرایی و محلی‌گرایی) همگن هستند. به عبارت دیگر از نظر صفات فوق بین آنها تفاوت معنی‌دار وجود ندارد. اما از لحاظ عناصری همچون نوآوری، انگیزه پیشرفت، خانواده‌گرایی، نوع نگرش به دولت و احساس بیگانگی اجتماعی، تفاوت‌هایی در بین آنها مشاهده می‌شود. همچنین بین طبقات پائین و بالای جامعه از نظر خانواده‌گرایی، تقدیرگرایی و فقدان همدلی تفاوت خاصی وجود نداشته است اما به لحاظ سایر عناصر خرده فرهنگی در بین آنها اختلاف معنی‌دار مشاهده می‌گردد. از این روی، پیشنهاد می‌گردد:

۱- برای توسعه فرهنگی اجتماعی و اقتصادی روستاهای استان توجه به خرده فرهنگ‌های حاکم در بین آنان یک ضرورت است. بنابراین برای اشاعه افکار نو در بین مردم روستانشین آشنایی با خصوصیات روانشناسی و مردم‌شناسی مخاطبان از طرف کارشناسان مربوطه به خصوص آنها که تازه از موسسات



آموزشی فارغ التحصیل شده‌اند و گاهی بعضی از آنان به دیده حقارت به روستائیان می‌نگرند اهمیت خاصی دارد. لذا آموزش این نیروها برای شیوه کنار آمدن با مردم روستایی و آشنایی با زبان و گویش آنان یک امر لازم و ضروری می‌باشد.

۲- با عنایت به اینکه نوک حمله توسعه روستایی در وهله اول فرهنگ روستایی است، لذا اولین برخورد دست اندرکاران مقوله توسعه روستایی گذر از فرهنگ روستایی است در این راستا رسانه‌های گروهی به ویژه رادیو و تلویزیون نقش مهمی دارند. معمولاً این برنامه‌ها با اینکه عنوان آنها روستاست ولی به ذوق و سلیقه شهریان تهیه می‌شود و کسانی که احتیاجات و روحیات روستائیان را به خوبی می‌دانند و از مشکلات آنان آگاهی داشته باشند و از عهده برنامه‌سازی برآیند چندان عده‌ای را تشکیل نمی‌دهند و معمولاً هم نمایاندن مشکلات روستا را قربانی آب و رنگ کلام می‌کنند. بنابراین تشکیل یک کادر معرب و آموزش دیده برنامه‌سازی ویژه روستاها مخصوصاً در صدا و سیمای مرکز گلستان بر حسب امکانات موجود مفید خواهد بود.

۳- با توجه به مساله تاخر فرهنگی در سطح روستاها، سیاستگذاران و برنامه‌ریزان امور روستاها بایستی از تحمیل برنامه‌هایی که با فکر و ذهن روستائیان کاملاً بیگانه است به شدت خودداری نمایند و باروش‌های ترویجی و تبلیغی مناسب آنان را به فواید و امتیازات پدیده‌های جدید کاملاً آگاه و مطمئن سازند.

۴- با توجه به اینکه روستائیان همیشه در حاشیه توسعه قرار داشته‌اند، بدین معنا که کانون‌های توسعه خارج از زندگی اجتماعی روستائیان قرار داشته و امواج توسعه خیلی دیر به آنها می‌رسد، لذا در تنظیم برنامه‌های توسعه فرهنگی باید کانون توسعه را خود روستاها قرار داد و ابتدا با اولویت خود روستائیان را به عنوان نقاط هدف انتخاب کرد.

۵- پیشنهاد می‌شود به سه عامل تشویق روستائیان به کارآفرینی و خلاقیت شغلی، ایجاد روحیه کارفرمایی و ارتقاء انگیزه پیشرفت اقتصادی در آنها و نهایتاً خارج ساختن آنها از قید و بند الزامات تقدیرگرایی توجه خاصی را در فرایند تدوین راهبردها و برنامه‌های توسعه فرهنگی در سطح روستاها مبذول نمایند.

- ۱- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۴). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی. تهران، انتشارات اطلاعات.
- ۲- ازکیا، مصطفی (۱۳۶۹). جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران، تهران، انتشارات اطلاعات.
- ۳- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۶). بررسی اقشار آسیب‌پذیر جامعه روستایی در شهرستان گرمسار، موسسه مطالعات و تحقیقات علوم اجتماعی.
- ۴- ازکیا، مصطفی و جلال‌الدین رفیع فر (۱۳۷۲). بررسی ساختارها و عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موثر در ترویج کشاورزی، پروژه ۶: خرده‌فرهنگ دهقانی و ترویج کشاورزی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی (وقت)
- ۵- تامین، ملوین (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گوهر، تهران، نشر توتیا
- ۶- چیتا مبار، جی، بی (۱۳۷۳). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی (با تأکید بر جامعه‌شناسی روستایی) ترجمه احمد حجاران و مصطفی ازکیا، تهران، نشر نی.
- ۷- خسرو، خسروی (۱۳۷۲). جامعه‌شناسی ده در ایران. تهران: مرکز نشر دانشگاهی
- ۸- دوپویی، گراویه (۱۳۶۸). فرهنگ و توسعه، ترجمه فاطمه فراهانی و هکاران
- ۹- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۶). جامعه روستایی و نیازهای آن، تهران: شرکت سهامی انتشار
- ۱۰- روح‌ا... امینی، م (۱۳۶۵). زمینه فرهنگ‌شناسی، تهران: انتشارات عطار
- ۱۱- روشندل، محسن و محمد وحید قلفی (۱۳۷۸). بررسی شاخص‌های توسعه فرهنگی در مناطق روستایی، ماهنامه جهاد
- ۱۲- شعاری نژاد، علی‌اکبر (۱۳۶۴). فرهنگ و علوم رفتاری، تهران: بینا
- ۱۳- عجمی، اسماعیل (۱۳۵۵). بررسی خلیقیات و معتقدات و آرزوهای روستائیان در سه روستای فارس، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲
- ۱۴- عجمی، اسماعیل (۱۳۵۴). اصلاحات ارضی، نوسازی دهقانان و توسعه کشاورزی
- ۱۵- منصور فر، کریم (۱۳۷۶). روش‌های آماری، انتشارات دانشگاه تهران
- ۱۶- نیک‌خلق، علی‌اکبر (۱۳۵۸). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی روستایی ایران